

**ویژگی‌های یک وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگوی «جوان»** با محمدمهدی سیار شاعر و ترانه‌سرا

## وزیر فرهنگ باید جمال و زیبایی کابینه باشد

■ **مصطفی شاه‌کرمی**

انباشت کارهای بر زمین مانده در کنار رکود کم سابقه‌ای که در حوزه فرهنگی کشور به دلایلی از جمله شیوع ویروس کرونا ایجاد شده است خبر از گستره عظیمی از عقب‌ماندگی‌ها می‌دهد. بسیاری از دلسوزان و اهالی فرهنگ و هنر معتقدند نگاه مسئولان به فرهنگ، هنر و ادبیات طی سال‌های گذشته، تزئینی بوده است و جدی گرفته نشده و مهم‌ترین کار در آینده این است که «اعتبار» دوباره به فرهنگ برگردانده شود. همزمان با آغاز به کار دولت سیزدهم و در آستانه معرفی اعضای کابینه جهت اخذ رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی، «جوان» در سلسله گزارش‌ها و گفت‌وگوهایی که با چهره‌های مختلفی در حوزه فرهنگ و هنر انجام می‌دهد سعی دارد ضمن واکاوی علل و عوامل ایجاد رکود و رخوت کنونی در فضای فرهنگی کشور نظرات و پیشنهادات کارشناسانه ایشان را به دولت جدید و وزیر آینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتقال دهد.

■ **خلافت، گره‌گشایی و نوآوری**

محمدمهدی سیار شاعر، ترانه‌سرا و ساز اوچهره‌های فرهنگی کشورمان در رابطه با توقعات، انتظارات و هدفگذاری‌هایی که دولت و وزیر ارشاد آینده برای بهبود اوضاع و تولیدات فرهنگی و هنری و اهالی آن باید ملاک عمل قرار دهد به «جوان» می‌گوید: «هالی فرهنگ و هنر معتقدند هر دولتی که ایده‌ای برای این سرزمین دارد، اتاق فرماندهی اجرای آن ایده باید در زمین فرهنگ و هنر مستقر باشد چه اینکه در مأموریت‌های بزرگ اجتماعی ما نمی‌توانیم با تکیه صرف بر بودجه‌های دولتی کشور را رشد دهیم یک‌پاسا ایده‌های خود کشور را جلو ببریم. وزارتخانه‌هایی که با فرهنگ سر و کار دارند باید هسته اصلی تمرکز رئیس‌جمهور و دولت جدید باشند، یعنی اگر رئیس‌جمهور جدید به دنبال عدالت است، این عدالت را پیش و پیش از همه در وزارتخانه‌هایی که با آموزش و فرهنگ سر و کار دارند، به دنبال آن باشد تا این وزارتخانه‌ها ابتدا کار خودشان را درست انجام دهند، بعد از آن است که اگر ریل‌گذاری صحیحی در حوزه ذهنیت داشته باشیم، در حوزه اجرا نیز به سمت عدالت‌گام بر داریم و گرنه آنچه در واقعیت اتفاق می‌افتد این است

### درباره محمدرسور رجایی

## وفادار واقعی امام از درون آتشفشان افغانستان

■ **مسعودملکی\***
محمدرسور رجایی نویسنده، محقق و شاعر بود ولی همه کارش اینها نبود، در واقع، تعریف ما از یک کاراکتر است که تسلیمان را از آن شخصیت و کارهایش کامل می‌کند.

محمدرسور رجایی سال ۱۳۴۸ در کابل به دنیا می‌آید. به واسطه ضعف دولت‌های وقت، یک دوره سخت و سیاه را در آن مقطع افغانستان سپری می‌کند، پس از آن در شرایطی که شوروی به این کشور حمله کرده بود وارد جبهه مقاومت علیه تجاوز می‌شود و نهایتاً به ایران می‌آید و نویسنده می‌شود.

به نظرم اول باید همین تعریف را درباره ایشان کامل کنیم. رجایی فارغ از اینکه در جغرافیای افغانستان به دنیا آمد و رشد کرد، در اتمسفر انقلاب اسلامی رشد کرد. محمدرسور رجایی به شدت انقلابی، عاشق، وفادار و علاقه‌مند به امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی بود. او انقلاب اسلامی را یک پدیده محصور، مختص و محدود به ایران نمی‌دانست و این جزئی از ویژگی‌های شخصیتی او بود که بعدها کارهای دیگری را ناظر به همین مسئله انجام می‌دهد. این موضوع، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های محمدرسور رجایی است که او امام خمینی(ره) را امام ایران و فقط انقلاب اسلامی نمی‌داند بلکه امام تمام مردم مسلمان جهان می‌داند.

رجایی به واسطه نگاهی که به انقلاب اسلامی دارد، پس از رحلت امام خمینی(ره) و افول جریان‌های انقلابی، پاپایی برای انقلاب اسلامی نمی‌بیند، یعنی به واسطه این تعریف موسع او، انقلاب اسلامی، همچنان ادامه دارد و الان در یمن، لبنان، سوریه، فلسطین و… می‌تواند تداوم داشته باشد. این مسئله از مهم‌ترین ویژگی‌های مرحوم رجایی است که به شدت وفادار به روحانیت، مرجعیت و انقلاب اسلامی بود.
به عبارت دیگر یک ویژگی مهم مرحوم رجایی این بود که نگاهش به انقلاب اسلامی، نگاه جهانی است، در حالی که خیلی از انقلابی‌های ما نهایت نگاهشان این است که انقلاب اسلامی یک پدیده داخلی است که اتفاق افتاده و دیگر تمام شده است.

■ **از درون آتشفشان**

نکته دوم درباره شخصیت محمدرسور رجایی، این است که او یک پدیده تاریخی است. یعنی ایشان کسی است که انقلاب اسلامی را درک کرده، در همان سال وقوع انقلاب اسلامی،

### درون آتشفشان

فرهنگ باید موتور پیش برنده همه بخش‌های دیگر کشور باشد. به نظر من یک وزار تخانه خوب می‌تواند شاخص و نمود یک دولت و کابینه خوب باشد

### درون آتشفشان

که پروژه‌های کوچک و بزرگی که حاشیه‌های متعددی خواهند داشت و به نوبه خودشان بی‌عدالتی را ایجاد خواهند کرد، با نام عدالت اجرا خواهند شد.»

■ **فرهنگ باید موتور پیش برنده همه بخش‌های کشور باشد**
این فعال فرهنگی در ادامه می‌افزاید: «ویژگی مهم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت جدید باید بر خلافت و گره‌گشایی و نوآوری باشد. فرهنگ باید موتور پیش برنده همه بخش‌های دیگر کشور باشد. به نظر من یک وزارتخانه فرهنگی خوب می‌تواند شاخص و نمود یک دولت و کابینه خوب باشد. من فکر می‌کنم آن چیزی که دولت جدید به آن نیاز دارد این است که اولاً مناسبات فرهنگ را با سایر حوزه‌ها از جمله سیاست و اقتصاد به خوبی تعیین و بازتعریف کند چنانکه انقلاب ما یک انقلاب فرهنگی بوده و قرار بود بقیه حوزه‌ها از حوزه فرهنگ الهام بگیرند و ذیل آن تعریف شوند. نکته دیگر اینکه جایگاه فرهنگ و هنر جایگاهی است که این روزها متزلزل شده و به نوعی از دست رفته و فرهنگ به عنوان یک زیر مجموعه و ابزاری برای حوزه‌هایی مثل سیاست و اقتصاد تعریف می‌شود. بازیابی و بازتعریف شود شده است

## فرهنگی



که به نظر من این جابه‌جایی اولویت‌ها چیزی جز استحاله انقلاب اسلامی هم نیست. وقتی ما ببینیم که فرهنگ اولویتش را از دست داده است می‌توانیم یقین کنیم که انقلاب اسلامی با خطر استحاله مواجه شده است. فکر می‌کنم وزیر فرهنگ اولاً باید خودش یک پیشش درست و بیان قانع کننده و زیبا داشته باشد تا بتواند به نوعی جمال و زیبایی کابینه و دولت و کشور به حساب بیاید، یعنی وزیر فرهنگی که قرار است کل ادبیات و هنر و پشتوانه‌های فرهنگی ایران و انقلاب اسلامی را نمایندگی کند باید شخصیتی در تراز بالای فرهنگی- هنری داشته باشد. ضمن اینکه باید قدرت سیاستگذاری و مدیریت هم داشته باشد. اما به نظر من ویژگی الهام بخشی و نوآوری از دیگر ویژگی‌های مهم فرهنگ است. ما را تقویت کند و در نظر من ویژگی‌های مهم تر است.»

■ **وزیر فرهنگ باید الهام‌بخش باشد**

استاد دانشگاه امام صادق (ع) خاطر نشان می‌کند: «کسی باید وزیر فرهنگ باشد که حتی اگر در آن جایگاه هم قرار نداشته باشد مثلاً قبل و بعد از وزیر باشد باید همچنان وزیر فرهنگ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به

ما در کشورمان هر چقدر که خرج یک رسانه بزرگ کنیم و هر چقدر امکانات، تجهیزات نرم افزاری و سخت‌افزاری و نیروی انسانی در اختیارش قرار دهیم و هزاران میلیارد تومان هم خرج آن رسانه کنیم اما همین رسانه در لحظه‌ای که باید حرفی را بزند یا یک حرف درست بزند بر عکس عمل کند و حقیقتی را بیوشاند یا مخدوش کند، در نظر مردم آن هم در دنیایی که مردم دسترسی‌شان به اطلاعات آن قدری هست که می‌توانند محک بزنند و متوجه شوند که رسانه‌ای راستگوست یا دروغگو چقدر می‌تواند به اعتماد آن رسانه لطمه وارد کند. رسانه‌ای که برای مثال به صورت گزینشی اخبار را اعلام می‌کند هیچ منفعت و برکتی ندارد. در دنیای امروز اگر هزاران میلیارد تومان هم خرج راهاندازی و پیشبرد رسانه‌ای یا خبرگزاری و شبکه تلویزیونی یا رادیویی و… کنیم و نیروی انسانی زیادی هم در اختیارش بگذاریم گفتن یک دروغ کافی است که تمام آن هزینه‌ها را بر باد دهد. بنابراین اینجاست که صداقت اهمیت پیدا می‌کند و به نظر من تجدید عهد با صداقت در رسانه‌های ما امری لازم و ضروری است آن هم در همه اجزا و ارکانش.»

■ **اهمیت به زبان فارسی در رسانه**

استاد دانشگاه امام صادق(ع) با اشاره به اینکه مسئله دیگر در این رابطه «مهارت» است، خاطر نشان می‌کند: «استعداد و ختم کار فرهنگی، هنری، تبلیغی و رسانه‌ای الزاماً بین همه افراد و آدم‌ها وجود ندارد و این یک مسئله و گزاره خیلی مهمی است که باید آن را بپذیریم. باید بپذیریم هر کس از هر شغلی رانده شد و نتوانست به هر دلیلی کار کند یا اینکه نتوانست برای خودش کسب درآمدی کند و پول دربیورد یا احتمالاً نتوانست شغلی برای خودش دست و پا کند نباید آن فرد را به سمت انجام کارهای فرهنگی و رسانه‌ای بفرستیم. باید بپذیریم در کارهای فرهنگی، هنری و رسانه‌ای یک استعدادیابی و بعد آموزش و نخبه‌پروری را ایجاد مهارت‌های حرفه‌ای لازم است. من در رسانه‌های جریان انقلاب اسلامی می‌بینم که با کثرت تولیدات

می‌دهد که من آن را ذیل دیپلماسی فرهنگی می‌فهم می‌کنم، توجه به حضور مجاهدان افغانستانی در دفاع مقدس و حضور ایرانی‌ها در جهاد اسلامی افغانستان بود. آقای رجایی این مسئله را هم درک کرد و بهرام برای آن گام‌های استراتژیک برداشت. کتاب «از دشت لیلی تا ما هیچ‌وقت کنایی درباره امام(ره) به روایت ایرانی‌ها را هم نمی‌بینیم، ولی کاری که مرحوم

می‌دهد که من آن را ذیل دیپلماسی فرهنگی می‌فهم می‌کنم، توجه به حضور مجاهدان افغانستانی در دفاع مقدس و حضور ایرانی‌ها در جهاد اسلامی افغانستان بود. آقای رجایی این مسئله را هم درک کرد و بهرام برای آن گام‌های استراتژیک برداشت. کتاب «از دشت لیلی تا ما هیچ‌وقت کنایی درباره امام(ره) به روایت ایرانی‌ها را هم نمی‌بینیم، ولی کاری که مرحوم

دوران پدیشی برای فرهنگ افغانستان نکته بعدی درباره محمدرسور رجایی، روش و ویرایشی است که ایشان برای فرهنگ افغانستان کرد. همان‌طور که می‌دانید افغانستان به دلیل اتفاقاتی که در صد سال گذشته رخ داده است، به لحاظ هویتی، کشور مستقل و منسجمی نیست و دچار چندپارگی فرهنگی و هویتی شده و به شدت از جهت فرهنگی، متزلزل شده است.

به نظرم، راه حل این مسئله، نه دست به اسلحه بردن و نه اکت سیاسی است، بلکه تنها و تنها کار فرهنگی، فرهنگ‌سازانه و تربیتی است که آقای رجایی به درستی این موضوع را تشخیص داد و محصولاتی تولید کرد. یکی از مهم‌ترین کارهایی که با اراده خودش و برخی حمایت‌ها صورت داد، تولید و انتشار مجله «باغ» بود. این مجله شعر و قصه که نزدیک به ۷۰ شماره آن تاکنون منتشر شده است، از سال ۸۹ و به صورت سیاه‌وسفید و برای کودکان افغانستان تولید می‌شد که خاترم است آقای رجایی هزار نسخه از این مجله را در کشور افغانستان توزیع می‌کرد.

این کارهای تربیتی و مینیاتوری که نهایتاً آینده‌ساز است، در فضای کشوری که از لحاظ فرهنگی و همچنین امنیتی و اقتصادی، وضعیت خرابی دارد، خیلی مهم، ویژه و اتفاق منتظمی بود.

رسانه‌ها و آدم‌ها مواجهیم اما آن کیفیت لازم در آن حدی که باید دیده نمی‌شود. یکی از دلایلش این است که اولاً آن استعداد و هوشمندی کافی را در نیروی انسانی تشخیص ندادیم و ثانیاً در بحث آموزش و مهارت آموزی هم بین خبرگزاری‌های تراز اول ما یک خبر که از نظر نثر و دستورات نگارشی سالم قلمداد شود، خیلی کم پیدا می‌شود. من این مسئله را بر اساس بررسی که انجام داده‌ام می‌گویم و این معلوم می‌کند رسانه‌های ما برای زبان فارسی و مخاطبش ارزشی قائل نیست. در حالی که می‌بینم برخی رسانه‌های فارسی زبان غیر ایرانی که در حد یک سایت خبری هم هست و آن کثرت مورد نظر را هم ندارد اما کیفیت را حفظ کرده‌اند.»

سیار در پایان به این نکته اشاره می‌کند که آدم وقتی برای محک برخی اخبار و رخدادها به برخی رسانه‌ها مراجعه می‌کند بدون در نظر گرفتن اهدافی که در راستای منافعشان آنها را دنبال می‌کنند، می‌بیند که پایبندی‌شان به اصول حرفه‌ای و حتی نگارشی نثر فارسی از برخی مدعیان این عرصه بهتر است. این البته یک بُعد قضیه است و دیگر ابعاد موضوع از جمله بعد هنری یا زیبایی‌شناختی و اینکه ما بتوانیم درست روایت کنیم و خط روایی را در متن‌هایمان برای مردم درست منعکس کنیم تا اخبار و گزارش‌های ما یک جذابیتی داشته باشند، است. یک چیزی را آنقدر به ذهن مردم همپاش نکنیم که مردم از آن زده شوند. البته بحث مراعات و در نظر گرفتن اصول حرفه‌ای رسانه‌ای هم سرر جای خودش سیار مهم است اما به نظرم تأکید بر این سه مؤلفه یعنی تأکید بر آزادی، صداقت و مهارت می‌تواند در کنار ارزش‌ها و محتوای انقلاب اسلامی که محتوای اصل، انسانی و فطری جامعه بشری است پیروزی‌های بزرگی را در حوزه رسانه برای ما به ارمغان آورد. همانطوری که مثلاً افغانستانی‌های مجاهد، مبارز و مخلص.

مرحوم رجایی، چند سال پیش، سندی را پیدا کرد که نشان می‌داد در دفاع مقدس، بین ۲۲ تا ۵۰۰ شهید افغانستانی داشتیم که این رقم مهم و بزرگی است و خیلی در مناسبات و سیاست‌های فرهنگی الان و آینده بین ایران و افغانستان و حتی کشورهای دیگر می‌تواند تأثیر بگذارد. این کار و این کتاب آقای رجایی هم یک کار فوق استراتژیک است که مدعیان این حوزه از عهده آن برنیامدند ولی آقای رجایی در راستای عمل به تکلیف به آن عمل کرد که ان‌شاءالله جزو صدقات جاریه ایشان قرار گیرد.

■ **دوران پدیشی برای فرهنگ افغانستان**
نکته بعدی درباره محمدرسور رجایی، روش و ویرایشی است که ایشان برای فرهنگ افغانستان کرد. همان‌طور که می‌دانید افغانستان به دلیل اتفاقاتی که در صد سال گذشته رخ داده است، به لحاظ هویتی، کشور مستقل و منسجمی نیست و دچار چندپارگی فرهنگی و هویتی شده و به شدت از جهت فرهنگی، متزلزل شده است.

به نظرم، راه حل این مسئله، نه دست به اسلحه بردن و نه اکت سیاسی است، بلکه تنها و تنها کار فرهنگی، فرهنگ‌سازانه و تربیتی است که آقای رجایی به درستی این موضوع را تشخیص داد و محصولاتی تولید کرد. یکی از مهم‌ترین کارهایی که با اراده خودش و برخی حمایت‌ها صورت داد، تولید و انتشار مجله «باغ» بود. این مجله شعر و قصه که نزدیک به ۷۰ شماره آن تاکنون منتشر شده است، از سال ۸۹ و به صورت سیاه‌وسفید و برای کودکان افغانستان تولید می‌شد که خاترم است آقای رجایی هزار نسخه از این مجله را در کشور افغانستان توزیع می‌کرد.

این کارهای تربیتی و مینیاتوری که نهایتاً آینده‌ساز است، در فضای کشوری که از لحاظ فرهنگی و همچنین امنیتی و اقتصادی، وضعیت خرابی دارد، خیلی مهم، ویژه و اتفاق منتظمی بود.

■ **مدیر مدرسه سینمایی اندیشه و هنر**

تصویر شده است که شاید اگر در زیست‌بوم دیگری قرار می‌داشت باز هم نویسنده می‌شد و خود را کنار انقلاب می‌دید و انقلابی زیست می‌کرد.

■ **روایت جهانی از امام و انقلاب**

فرهنگی به ابتدائاً ایشان، بدون شک و تعارف، یک انقلابی درجه یک است و همانندی ندارد، یعنی کاراکتری که چنین مسیری را آمده باشد،



متأسفانه قابلیت بازتولید ندارد. ایشان وقتی وارد فضای فرهنگی می‌شود، دست تقدیر ایشان را به این سمت می‌آورد که مهم گلوگاه‌های اساسی و مهم فضای افغانستان، ایران و جهان اسلام وارد شود، یکی از مهم‌ترین کارهای ایشان که کمتر هم دیده شده است، کتاب «در آغوش قلب‌ها» است. این کتاب، فارغ از نقاط قوت و ضعفش،


<sup>[1]</sup> مصطفی شاه‌کرمی

<sup>[2]</sup> مصطفی شاه‌کرمی

<sup>[3]</sup> مصطفی شاه‌کرمی